

گرامی باد ۸ مارس روز جهانی زن.

گرامی باد یاد زنان کارگر نساجی نیویورک (۸ مارس ۱۹۰۸)

گرامی باد یاد کلارا ز تکین سوسیالیست انقلابی آلمان (پیشنهاد دهنده روز جهانی زن در گردهمایی بین المللی زنان سوسیالیست ۱۹۱۰)

گرامی باد یاد زنان کارگری که در آتش سوزی تری انگل نیویورک سوختند (۲۵ مارس ۱۹۱۱)



از: مجید صالحی

آزادی زنان و سرمایه داری

منظور سرمایه داری از آزادی زنان، اساساً این است که زنان، آزاد باشند تا مورد بهره بر داری سرمایه قرار گیرند یعنی آزادی زنان را در گرو آزادی سرمایه می خواهند. به عبارت دیگر، زنان از خانه آزاد شوند و آزادی و نیروی کار خود را به سرمایه بفروشند و این آزادی در مورد زنان، کمابیش، به این شکل است

که اغلب نه تنها کار خانگی را همچنان کمابیش ادامه می دهند و توسط مردان استثمار می شوند، بلکه مضافاً بر آن، سرمایه داری از نیروی کار آنان، از جنسیت آنان، از پوست آنان، از زیبایی و لطافت آنان و خلاصه از تمامی وجود آنان، بعنوان کالا بهره برداری می کند و این در حالیست که نه تنها زنان از نظر اندامهای تولید مثل، بسیار کامل هستند و بار اصلی تولید مثل انسانی را نه فقط در طول بیش از نه ماه حاملگی بلکه شیردهی، تغذیه و مواظبت های دیگر و طولانی تری را بر دوش دارند. بهر حال بورژوازی، زن را به عنوان کالائی که دو خاصیت مصرفی دارد نگاه می کند برای بورژوازی، زن هم نیروی کار ارزان قیمت است و هم کالای جنسی است. بنابراین مبارزه اصلی زن با بورژوازی با هر دو این ها نیز هست.

تن فروشی برای زنانی که راهی دیگر برای معاش نیافته اند و یا ازدواج اجباری، چه به لحاظ نیاز مالی معمولاً در شکلی ناگفته، نتیجه ناگزیر نظامهای طبقاتی است. سرتاسر تاریخ پر از قربانی شدن زنان چه در شکل بردگی، زنده به گور شدن، تجاوز، سنگسار، خودکشی و قتل های مربوط به روابط خارج از ازدواج و تن فروشی بوده اند و تاریخ نظامهای طبقاتی، مملو از همه گونه اجحافات و ستم طبقاتی و جنسیتی بر آنهاست. چه از آن هنگام که زنان و بچه ها برده مرد شدند و تحت مالکیت مرد درآمدند و اسارت شان آغاز شد و چه اکنون که برده مزد (پول و سرمایه) هستند.

خانواده ی مبتنی بر ازدواج، عموماً تحت سلطه مرد قرار دارد و سلطه مرد در رابطه با زن، نتیجه سلطه اقتصادی او است. ازدواج عموماً، مانند تن فروشی (روسپیگری) مبنای قراردادی-معاملاتی دارد و رابطه اقتصادی در آن تعیین کننده است. البته اصولاً خدمتکار خانگی شدن زن و جدایی اش از تولید اجتماعی، اولین تقسیم کار تاریخ است که طی آن و بعد از آن در سرتاسر تاریخ تاکنونی، سلطه مرد نقشی تعیین کننده دارد.

سوسیالیسم، با زندگی دائمی دو تن باهم مخالف نیست بلکه با کالایی کردن و یا معامله ای کردن روابط، چه بصورت دائم و چه بصورت موقت، مخالف است. در نظام سوسیالیستی، با حذف رابطه نیاز به معامله برای تامین معاش، زمینه اقتصادی بسیاری از ستم هایی که بر زنان می رود از بین خواهد رفت. آزادی انتخاب دوست، همدم و همسر بر اساس کشش و عشق متقابل خودشان، مبنای روابط خواهد شد. در سوسیالیسم، به دعوی های مالی و حقوقی طلاق پایان داده می شود زیرا آزادی انتخاب، دو سویه است چه در ایجاد رابطه و چه در قطع رابطه. البته گرچه سوسیالیسم اصولاً به مسائل مهمتر اجتماعی می پردازد و در مورد روابط جنسی کمتر دارای نظر است مگر در مورد نگهداری بچه ها که اساساً مقوله ای اجتماعی است. با این حال هرزگی و آنارشیزم جنسی را بیراهه ای در امر خطیر مبارزات

می داند.

نظر بر اینکه هیچ مبارزه بزرگی بدون سازمان میسر نیست، زنان نیز باید سازمانهای مستقل خود را داشته باشند و مبارزه علیه بهره برداری مردسالارانه را ادامه دهند ولی همواره باید هوشیار باشند و اولویت اساسی را به مبارزه علیه سرمایه داری بدهند زیرا ریشه ستم جنسیتی، چه به لحاظ تاریخی و چه در شرایط کنونی، در وجه تولید است. زنان تحت هیچ شرایطی نباید زیر نفوذ سرمایه داری و جریانات سیاسی وابسته به آنان بروند و همواره باید صفوف خود را از آنان متمایز و جدا نگهدارند. از سوی دیگر، موفقیت سوسیالیسم نیز در گرو حضور فراگیر پرولتاریای زن و آزادی و برابری همه جانبه آنان با پرولتاریای مرد است.

در شرایط کنونی، هژمونی مبارزات دموکراتیک از جمله مبارزه برای آزادی پوشش و مشخصا علیه حجاب تا جائی که با خواست، اراده و برنامه درازمدت طبقه کارگر در تعارض قرار نگیرد امری ضرور است. هشتم مارس از بطن مبارزات زنان کارگر زائیده شده است و باید ماهیت طبقاتی خود را همراه با ضدیت با ستم جنسی همواره حفظ کند. اگرچه به هیچ وجه نباید رابطه بردگی و تملک زن را از مالکیت جدا دانست. در عین حال این به این معنا نیست که هر نوع مبارزه با ستم جنسی را باید به تعویق انداخت.

اگر هر تاکتیکی را باید به استراتژی پیوند داد. معنای آن این نیست که باید استراتژی را فدای تاکتیک کرد. حمایت بی قید و شرط از مبارزات بورژوا دموکراتیک نه تنها به لحاظ تاکتیکی غلط است بلکه محدود کردن مبارزات زنان در زیر پرچم سفید صلح که نشان از اصلاح طلبی دارد بخصوص در شرایطی که طبقه کارگر در شرایط ضعیفی قرار دارد و اپوزیسیون بورژوازی تحت عناوینی ناسیونالیستی در حال قدرت گیری است از نظر استراتژیکی نیز خطاست. در عین حال، در حین انجام هر مبارزه ای در عمل باید جدائی و آپارتاید جنسیتی را محکوم کرد و صفوف مبارزه را از این آلودگی پاک نگاه داشت.

غده چرکین حاکمیت مذهب که بازتاب دروغین و وارونه ای را جایگزین زندگی واقعی کرده است و با فریبکاری و دورویی تمام، با فقه و اخلاقیات دروغین و ریاکارانه، با آسمانی و الهی سازی، شوینیسیم مرد سالارانه را جایگزین برابری زن با مرد کرده است و با وعده پاداش های تفریحی تغذیه ای و جنسیتی در بهشت و یا ترس از جهنم یعنی بر اساس انگیزه های خود خواهانه، بردگی و بندگی مذهبی را وسیله حاکمیت ارتجاعی خود قرارداده است. حاکمیتی که معجزه زمینی اش را در تن فروشی مذهبی حول و حوش -حرم- ها می توان دید. چنین غده چرکینی، که فساد را در پوشش وارونه مبارزه با فساد عرضه می کند قطعا سزاوار جراحی و دور افکندن تاریخی است. وارونه کردن نقش کارگر در کار آفرین (سرمایه دار) و وارونه کردن نتیجه تلاش کارگران در سود سرمایه دار، از جمله جلوه های دروغین ناشی از ذات

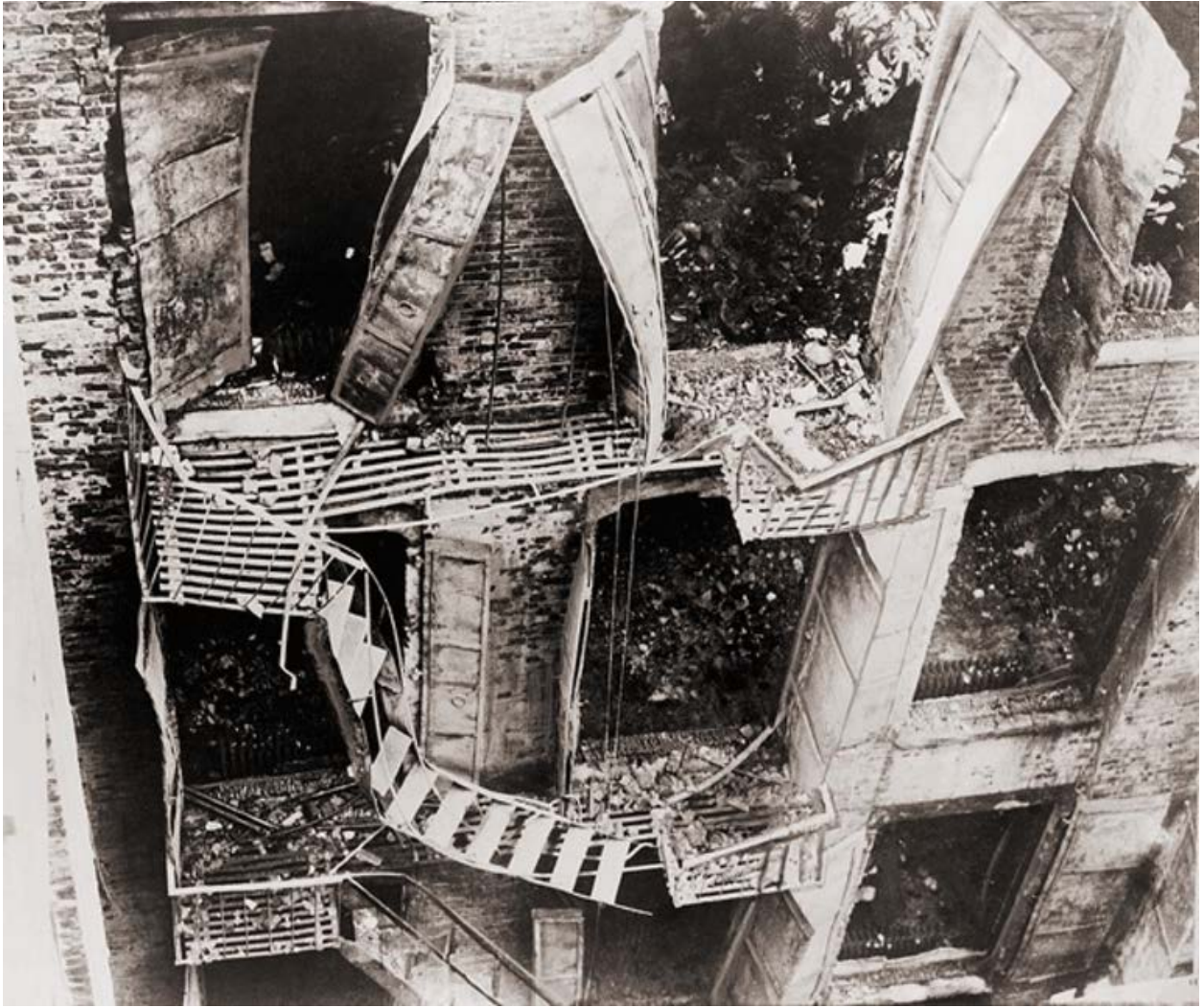
مالکیت خصوصی و یا بهتر گفته شود وجه تولید سرمایه داری است. مدتهاست که دوران وارونگی گردش خورشید به دور زمین، سپری شده است و نه تنها نیازی به پندار های دروغین و وارونه ای که خورشید را دور بزند نیست بلکه لازمست در پرتو تابش آفتاب روش شناسی انقلابی، وارونگی ها در هم شکست و افسانه پردازی و آفرینش وارونه ای را که متفکران مالکین و سرمایه داران، آفریننده آن هستند همراه با آفریده هایشان یعنی توهمات مذهبی و ایده آلیستی را به دور افکند و به تاریخ سپرد و جهان پرستش میانجی های موهومی، مذهبی، کالائی مانند پول و سرمایه را وارونه و دگرگون کرد و این کار بسیار بزرگ، جز از آفریننده واقعی و مولد یعنی پرولتاریای انقلابی بر نمی آید آفریننده ای که نسلهای بعد را نیز می آفریند.

کار مرده یعنی کاری که در گذشته انجام شده است، پس از دگردیی در شکل کالا، سپس در شکل پول و سرانجام در شکل سرمایه که چون هیولای خون آشامی، کار زنده را به بردگی مزدی خود کشانده است و وارونگی ناپدید شدن دسترنج زحمت و بهره کشی در سوء استفاده را داشته است با مذهبی که مالکیت خصوصی را قداست می بخشد و توجیه می کند چنان عجین شده است که حقیقتا نمی توان تصور کرد که مالکان و سرمایه داران بتوانند بدون خدای (اصلاح نشده و شده)، حاکمیت خود را توجیه کنند.

راهی جز این نیست که، با تلاش پرولتاریا (و قطعاً پرولتاریای زن که هم در مبارزات و هم در نقش مادر ی، به مراتب از مرد فداکار تر بوده است)، روابط مبتنی بر مالکیت خصوصی و همزاد تخیلی و توجیه گر آن یعنی توهمات مذهبی و ایده آلیستی که لازم و ملزوم یکدیگرند، همراه هم از بین برده شوند.



كلارا زتكين و رزا لوگزامبورگ



<https://www.ehstoday.com/safety/media-gallery/21916204/the-triangle-shirtwaist-factory-fire-march-25-1911-photo-gallery/slideshow>